

اعتیاد پژوهی تطبیقی در ادیان و مکاتب



ویژه نامه ادیان ۱ - زمستان ۹۷

موسسه هم اندیشی جهانی راه برتر در راستای اهداف پژوهشی و تحقیقاتی خود، پروژه جدیدی با عنوان «اعتیاد پژوهی تطبیقی در ادیان و مکاتب» در دست تدوین دارد. در این پروژه قصد داریم آموزه های ادیان و آیین های پررهرو نظیر اسلام، مسیحیت، یهودیت و بودیسم در باب معضل اجتماعی اعتیاد را مورد بررسی قرار داده و از این رهگذر شناخت دقیق تری از رویکردها، برداشت ها و راهکارهای این مذاهب در قبال اعتیاد ارائه کنیم. اهمیت این پروژه زمانی مشخص می شود که تأثیرات و ظرفیت های این آیین ها در امر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر / محرک مد نظر قرار گیرد. از سوی دیگر شناخت اشتراکات مذاهب در امر پیشگیری نیز می تواند به ارتقای هم فهمی پیروان ادیان متفاوت کمک کرده و در راستای صلح و گفتمان مشترک جوامع مدنی کشورهای مختلف نیز منجر شود. به بیان دیگر می توان چگالی و ظرفیت نمادها و معارف مذهبی را به استخدام پیشگیری از اعتیاد درآورد و این امر که همراستا با سعادت بشری است، به مثابه نقطه عزیمتی برای هم فهمی بیشتر میان پیروان آنها قرار داد.

مسیحیت و لحن ارشادی در قبال اعتیاد



اگرچه لفظ اعتیاد عموماً اتکای فرد به یک ماده یا عادت، به صورت فیزیکی و یا روانی را توصیف می کند و رایج ترین کاربرد آن عبارت از سوء مصرف الکل و مواد مخدر / محرک است، اما بسیاری این مفهوم را برای توصیف تمرکز ناسالم بر طیف وسیعی از کارها و اقدامات از غذاها گرفته تا بازی های کامپیوتری نیز توسعه می دهند. در ارتباط با این موضوع که آموزه های انجیل در قبال اعتیاد

چه آورده ای دارند؟ می تواند در این زمینه چند دسته توصیه و احکام را از یکدیگر متمایز کرد. برای نمونه رهبران کلیسا نمی توانند اقدام به مصرف میزان زیادی مشروب کنند و در واقع «میگسار» باشند (رساله اول پولس به تیمائوس ۳:۳، نامه به تیتوس ۱:۷) همچنین انجیل طهارت نفس و از بی بند و باری جنسی را نیز به رهروان این مذهب توصیه کرده و بر ماهیت اعتیاد آور گناهان جنسی تأکید می کند (نامه به قرنتیان ۶: ۱۸)

دومین توصیه ای که در این باره می توان در کتاب مقدس یافت به چگونگی کمک در قبال انواع اعتیاد می پردازد. البته به زعم کتاب مقدس این کمک نهایتاً از سوی باری تعالی سرچشمه می گیرد، چندان که ما عادت های قدیمی را با عادت های جدیدتر جایگزین می کنیم. در رساله به کولسیان ۸: ۳-۱۰ اینچنین آمده است: «حالا باید همه آنها را از خود دور کنی: خشم، غضب، کین توزی، سرزنش و سخنان ناخوشایندی که از زبان شما بیرون می آید. به یکدیگر دروغ نگوئید، تا ببینید چگونه خود قدیمیتان به همراه عادات مألوفش را چگونه کنار گذاشته و در پرتو معارف الهی انسان دیگری می شوید.»

سومین توصیه به این موضوع اختصاص دارد که دیگر افراد در ارتباط با اعتیاد چه کمکی می توانند بکنند. در رساله به غلاطیان اینچنین آورده شده که «ای برادران اگر کسی گرفتار خطایی شود، شما که روحانی هستید باید او را با توصیه به روح تواضع اصلاح کنید و خود را همواره بیازمایید که ممکن است شما نیز به این تجربه درافتید و متحمل بار گرانی شوید، پس بهتر است شریعت مسیح را اجرا کنید.» در فرازی از نامه به یعقوب (۵: ۱۹-۲۰) نیز اینچنین گفته شده که «برادران اگر دیدید کسی از بین شما از راه حق لغزش یافت، او را از گناه رویگردان ساخته و با بازگرداندش به راه حق روحش را شر گناه مصون دارید.» بدین ترتیب طبق آیین مسیح اگرچه اعتیاد معضلی واقعی است، اما غلبه بر آن در پرتو عنایات باری تعالی و خلق الله غیرممکن نیست. در واقع متن مقدس مسیحیت عمدتاً بیشتر به توصیه هایی در قبال اعتیاد (به معنای عام کلمه) به طور کلی بسنده می کند و در این توصیه ها لحن و زبانی ترغیبی و ارشادی دارد و از دستور و یا نهی قهری در متون مسیحی چندان خبری نیست. همچنین در متون مسیحی تأثیر ایمان به قدرت الهی برای باورمندان بسیار زیاد انگاشته می شود به گونه ای که از آنها انتظار می رود به صرف ایمان به خدا و روح القدس با مواد و اخلاقیات اعتیادآور رویارویی کنند^۱.

1. <http://www.compellingtruth.org/addiction-christian.html>

یهودیت، بدن مقدس و اعتیاد



اعتیاد یک بیماری است که بر مردم از هر مذهب و با هر زمینه‌ی معنوی و اعتقادی اثر می‌گذارد. اما جامعه یهودیت با این موضوع که سوء مصرف مواد تأثیری بر ایمان مردم نمی‌گذارد، مخالف است. با رشد فزاینده مشکل سوء مصرف مواد در میان یهودیان، تلاش‌هایی جهت ایجاد مراکز درمانی به خصوص در نواحی که یهودیان ارتدکس ساکن هستند،

انجام شده است. هدف این مراکز، گسترش این تفکر است که اعتیاد یک بیماری جهانی است و باید در بین یهودیان پذیرفته شود، و در این میان مذهب با ارائه خدمات مذهبی و آموزش اصول مذهبی می‌تواند به بهبودی بیماران درگیر سوء مصرف مواد کمک کند.

از این رو، یهودیت مشکل گسترده سوء مصرف مواد را نمی‌تواند نادیده بگیرد، نه فقط به دلیل اثرات و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی سوء مصرف مواد، بلکه به دلیل نقض اصول اولیه یهودیت Halachic^۱ که در تورات آمده است. اصل اول این است که «بدن ما متعلق به خودمان نیست بلکه متعلق به یک موجودیت مقدس (خداوند) است^۲». در تورات بر این اصل تأکید شده که شما حتماً باید از زندگی خود محافظت کنید، به گونه‌ای که آسیب رساندن به خود و دیگری ممنوع است.

بر این اساس یهودیان مجاز نیستند عملی انجام دهند که صدمه‌ای به بدن، زندگی و سلامتی خود و دیگران وارد شود. سیگار کشیدن، مصرف الکل و مواد مخدر تهدید جدی برای بدن است که بر اساس آموزه‌های تورات متعلق به خداوند می‌باشد. هر چند برخی از خاخام‌های یهودی مخالف ممنوعیت کشیدن سیگار هستند و به این آیه استناد می‌کنند که «خداوند در برابر این امر ساده از ما محافظت می‌کند» در مقابل مخالفان معتقدند، دانستن خطرات و آسیب‌هایی که مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر می‌تواند برای بدن انسان ایجاد کند، کافی است تا از مصرف آن ممانعت شود. مصداق این امر عبارت «تلمود»^۳ است، «جایی که آسیب احتمالی وجود دارد نباید به معجزه تکیه کرد.» به این معنا که خطر و آسیب همواره امری فوری نیست، بلکه موضوع مهم احتمال وقوع خطر در آینده خواهد بود^۴.

۱- مجموعه قوانین بدنی و زبانی یهودیت که در تورات آمده است.

2-Rambam, Hilchot Rotze'ach 1:4; Shulchan Aruch HaRav, Choshen Mishpat, Nizkei HaGuf 4

لازم به توضیح است که، ربام در بعضی کتاب‌های یهودی، ابن میمون، ربام خوانده می‌شود که مخفف ربی موشه بن میمون است.

۳- یکی از کتاب‌های اصلی یهودیت ربانی است.

4-<https://www.oztorah.com/2007/08/drugs-judaism/#.XFGGL1UzaUk>

بودیسم، نیروانا و رهایی از اعتیاد



تاریخچه مصرف مواد با معنویت و دین، و موضوعاتی از جمله تجویز برخی روانگردان ها در بعضی سنت های دینی و مناسک مذهبی گره خورده است. در اکثر موارد، دین به عنوان عاملی صیانتی و بازدارنده در برابر اعتیاد عمل می کند و مولفه ای از فرایند بهبود است. هرچند در پاره ای از مواقع، اعتیاد می تواند به حفظ و تداوم مصرف مواد کمک کند. در این جا تلاش می شود به

تبیین برهم کنش بودیسم و وابستگی و مصرف مواد از منظر دکترین بودیسم پرداخته شود.

از دغدغه های قانونی و مهم در بودیسم از آغاز شکل گیری آن در حدود ۲ هزار و پانصد سال پیش تا کنون مسئله ولع^۱ و دلبستگی^۲ بوده است. با در نظر گرفتن اعتیاد به عنوان شکل و نمونه ای از دلبستگی حاکی از عطش و ولع شدید، به نظر آموزه های بودایی، گنجینه و منبعی غنی از انگاره ها و مدل های سبب شناختی و درمان های ممکن اعتیاد را ارائه می دهد، چرا که آئین بودایی از هر نوع آن، دلایل پیدایش دلبستگی و ولع را تشریح و، اشکال آن را توصیف می کند و راهکارهای دقیق و جزئی برای رویارویی و حل آن این دلبستگی ارائه می دهد. در آئین بودا، به عنوان یک آئین غیرخدایرستانه، بودا مظهر و تجسد کامل خرد و رحمانیت است. در این آئین، پیرو بودا بودن به معنی پناه بردن به «سه گوهر»، بودا، دهارما^۳ (آموزه های او) و سانگها^۴ (اجتماع افرادی که به دهارما عمل می کنند) است. در این آیین، پناه گاه و مأمن حقیقی این سه گوهر است، حال آنکه وابستگی و اعتیاد را می توان به عنوان یک مأمن دروغین نگریست.^۵

ارتباط میان بودیسم و اعتیاد را می توان با به کارگیری چهار حقیقت شریف^۶ که به نظر متقن ترین و قدیمی ترین صورت بندی از دکترین بودیسم است را تبیین نمود.

حقیقت رنج و تالم: هستی رنج است: تولد رنج است، پیری رنج است، بیماری رنج است، مرگ رنج است. رنج به دلیل دلبستگی به امور دنیوی پدید می آید. بودائیان باید از دنیا دل برکنند تا به نیروانا برسند. این دلبستگی به نفسانیات دوکه نامیده می شود. بریدن از رنج ها با بریدن از تمایلات نفسانی دست یافتنی است و این حقیقت سوم می گوید که هر انسان توان بریدن از رنج ها را در خود دارد. گسست از رنج ها را در آیین بودا، روشنایی، بیداری، و خاموشی (نیروانا) شعله رنج نیز می گویند. برای رسیدن به این حالت، انسان باید درک کند که راه رسیدن به خوشبختی راستین از طریق دنبال کردن تمایلات و تشنگی ها میسر نمی شود بلکه بپذیرش واقعیت خود و گسست از تشنگی ها و تمایلات به دست می آید.

راه توقف رنج راه اصیل هشتگانه نام دارد. این راه عبارت است از: دیدگاه درست، نیت درست، گفتار درست، کردار درست، معاش درست، کوشش درست، اندیشه درست، و تمرکز درست.^۷

1.Craving

2.Attachment

3.Dharma

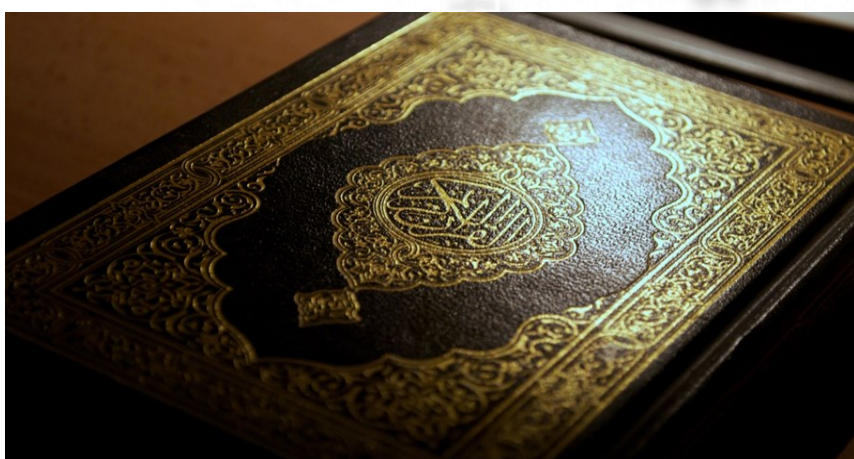
4.Sangha

5.Groves, P., & Farmer, R. (1994). Buddhism and addiction. *Addiction Research*, 2 (2): 183-194.

6.Four Noble Truths

۷- موسسه گفتگوی ادیان (۶ تیر، ۱۳۹۴). حقیقت درباره دین بودایی

اسلام و قاعده نفی اضرار به نفس



در باب حرمت مصرف و سوء مصرف مواد مخدر در اسلام سخن بسیار رفته است. یکی از ادله در باب حرمت این مواد قاعده «لا ضرر و لا ضرار» است. این قاعده فقهی برگرفته از دو آیه سوره بقره است (آیه ۲ و آیه ۱۹۵). «لا تضار والدة بولدها و لا مولود له بولده» این آیه در نفی ضرر رساندن والدین به

فرزندان نازل شده که در دستگاه فقهی از آن نفی ضرر رساندن به دیگران استنباط شده است. همچنین آیه شریفه «و لا تلقوا بأيديكم الى التهلكة» که از آن نفی ضرر رساندن به نفس خود استنباط می شود. گروهی از فقیهان شیعه و سنی برای حرمت اضرار به نفس، به آیه فوق استدلال کرده اند؛ به این بیان که «تهلكة» را به معنای هلاکت و خود را به خطر و یا نابودی انداختن دانسته اند. مواد مخدر و استعمال آن به عنوان یکی از مصادیق ضرر رساندن به خود و نیز ضرر رساندن به دیگران دانسته شده است. معمولاً به هلاکت انداختن با اعمال ناشایست و خطرناک امکانپذیر می شود. مطابق آیات فوق هرگونه فعلی که باعث از بین رفتن قوای جسمی و روحی فرد شود و یا هر نوع عملی که از نظر عرف عقلاً زمینه نابودی فکری و جسمی او را فراهم سازد، بی شک مشمول نهی و تحریم قرار خواهد گرفت.

مضمون آیه به تعبیر مفسرین، مطلق هلاکت را می رساند خواه چنین امری جنبه افراطی و یا بالعکس تفریطی داشته باشد؛ به تعبیری افراط و هم تفریط در چیزی که باعث ضرر رساندن به نفس و دیگری است مشمول حکم حرمت خواهد بود. در این رابطه می توان گفت سوء مصرف مواد عملی است که بالطبع قوه ممیزه انسان را تحت تأثیر قرار خواهد داد و از این منظر به لحاظ شریعت اسلامی قابل پذیرش نیست.